

مطالعه تطبیقی پوشاک زن در "هفت پیکر نظامی" و نگارگری مکتب هرات دوره تیموری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۵

زهرا حسین نژاد*

چکیده

پوشاک زنان هر ملیت بیانگر تمدن و فرهنگ آن جامعه است و بررسی آثار ادبی چه در گذشته و چه در زمان حال این مسئله را تایید می‌کند، هدف این پژوهش، بدست آوردن چگونگی و نوع طراحی پوشاک زنان در کتاب هفت پیکر نظامی و نگارگری مکتب هرات در عهد تیموری می‌باشد. ضرورت پژوهش را می‌توان چنین در نظر گرفت، که با بدست آوردن اسناد و مدارک تاریخی از پوشاک زنان و نوع پوشش آنها در ایران. باعث ایجاد خلاقیت در طراحان مد و لباس می‌باشد، تا با بهره‌گیری از فرهنگ غنی سرزمین ایران و بازخوانی منابع ادب فارسی به تهیه و تولید پوشاکی پرداخته شود که با فرهنگ این سرزمین تطابق بیشتری داشته باشد. به این جهت روش تحقیق در حال انجام، توصیفی- تطبیقی و با رویکردی زیبایی‌شناسانه داشته است که به بازبینی نمونه‌های مطالعاتی و نگاره‌های هفت پیکر نظامی و نگارگری مکتب هرات دوره تیموری می‌پردازد. بطور کلی نتایج حاصل از تطبیق پوشاک و لباس زنان در اشعار نظامی، به خصوص هفت پیکر و نگارگری دوره تیموری اینگونه مشاهده شده که زیبایی‌شناسی در اشعار نظامی بر پایه حسن و جمال ظاهری صورت گرفته، به گونه‌ای که زیبایی‌شناسی در الفاظ و کلمات، مدح و ستایش هر صاحب نظری را بر می‌انگیزد. مؤلفه‌های اصلی زیبایی‌شناسی تن پوش زنان عبارتند از: پوشاک (طرح و نقش، جنس و تزیینات)، آرایش، زیورآلات است. پوشش سر شامل انواع مختلف می‌باشد نظیر روسری، چادر، مقنعه، نقاب، سربند (چند لایه)، کلاه (تاج، نیم تاج)، تن‌پوش‌ها هم شامل: روپوش (پیراهن)، زیرپوش (زیرپیراهن)، قبا، ردا. جامه پایا یا پاپوش‌ها که عبارتند از: کفش، جوراب و شلوار که یکی دیگر از نتایج تحقیق به شمار می‌روند.

کلیدواژه‌ها: تن‌پوش زنان- نظامی گنجوی- منظومه هفت پیکر- نگارگری مکتب هرات - زیبایی‌شناسی.

* استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علم و فرهنگ

مقدمه

یکی از اساس‌ترین مقولات و مباحث تاریخی، فرهنگی و اجتماعی در تمامی تاریخ ایرانیان، مبحث پوشش زنان بوده است که همواره اندیشه و ذهن اندیشمندان را به خود مشغول کرده و مردمان هر دوره به تناسب جهان‌بینی و باورهای خویش بدان پاسخ داده‌اند. آثار ادبی نیز با پشتوانه‌ای محکم و راسخ از آثار منظوم و منثور شاعران بزرگ، تکیه‌گاهی مطمئن برای این مرز و بوم بوده‌است و با تجلی لایه‌های ژرف و کارآمد ابعاد فکری انسان‌ها که در جهت رشد و شکوفایی تکامل می‌یابد، آشکار می‌شود و در آینده هم چنین خواهد بود. در جامعه‌ی امروزی ایران، مبحث شیوه‌ی زندگی زنان، به خصوص نوع پوشش و واکنش در محیط‌های فردی و اجتماعی، از مباحث مهم و تاثیرگذار فرهنگی محسوب می‌شود که مدنظر سیاست‌گذاری فرهنگی است، برای اینکه طریقه زندگی ایرانیان به خصوص در چند دهه‌ی اخیر که شاهد توسعه و ارتقا دوران روزافزون فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی بوده است، به شدت اثرگذاری تولیدات رسانه‌ای نوین قرار گرفته است. همچنین تولیدات و کالاهای فرهنگی در میان مخاطبان خود، بیشتر بر زنان متمرکز بوده‌است. با توجه به سرعت افزایش حضور زنان در تمامی عرصه‌های اجتماعی جامعه، اهمیت مطالعه و بررسی را در این حیطه افزوده است. در عصر حاضر سبک لباس زنان ایرانی، به شدت تحت‌تأثیر الگوها و نمونه‌های رسانه‌ای غیربومی‌است که به توسط رسانه‌ها متعدد، توسعه یافته‌است. رجعت به اصول اخلاقی و تربیتی موجود در آموزه‌های بومی می‌تواند اولین قدم برای رهایی از حلقه‌ی این الگوها باشد که زنان را در نحوه‌ی پوشش به مؤلفه‌های فرهنگ غیربومی فرا می‌خوانند. یکی از روش‌های شاخصه‌هایی نظیر نوع بنا و معماری، لباس و پوشش، ابزار و وسایل و غیره در یک دوره‌ی خاص، رجوع به آثار تصویری و به طور اخص آثار نقاشی است. این آثار با همه‌ی ویژگی‌ها، وامدار زمانه خلق اثر می‌باشد. هنر نقاشی ایران، با مضامینی برگرفته از روش زندگی مردم است که از جنبه‌های گوناگون، به بازنمایی الگوهای زندگی زنان بر پایه و اساس آموزه‌های ایرانی - اسلامی پرداخته‌است. یکی از دوره‌های شاخص در شعر و ادبیات دوره‌ی، تیموریان بوده است. در این عهد مفاهیم شاعرانه و ادبی مستقیماً در نسخ خطی جلوه یافت و زمان آغاز نگارگری در ایران با پیوند ادبیات و نگارگری شروع شده است. که می‌توان این دوره را از باشکوه‌ترین و منحصر به فردترین دوره‌های نگارگری ایرانی

دانست. اصطلاح "شعر نقاشی" از همین پیوند نشأت می‌گیرد. مکتب هرات که در دوره‌ی تیموری ایجاد شد، مانند هر اثر هنری دیگری بر پایه هنرهای پیشین خود شکل گرفت است، اما این مکتب دارای ویژگی است که بتواند سایه‌ای با شکوه بر سر مکاتب هنری پس از خود بیافکند. با توجه به آنچه ذکر شد، در تحقیق حاضر، هدف این پژوهش، بدست آوردن چگونگی و نوع طراحی پوشاک زنان در کتاب هفت پیکر نظامی و نگارگری مکتب هرات در عهد تیموری است. ضرورت پژوهش را می‌توان چنین در نظر گرفت، که با بدست آوردن اسناد و مدارک تاریخی از پوشاک زنان و نوع پوشش آنها در ایران. باعث ایجاد خلاقیت در طراحان مد و لباس می‌باشد، تا با بهره‌گیری از فرهنگ غنی سرزمین ایران و بازخوانی منابع ادب فارسی به تهیه و تولید پوشاکی پرداخته شود که با فرهنگ این سرزمین تطابق بیشتری داشته باشد.

ادبیات تحقیق

بررسی آثار ادبی و هنری ایرانی - اسلامی نشان آن است که تلاش بزرگان ادب و هنر در آثار موجب ترویج الگوهای زندگی مانند نوع پوشش زنان در عرصه‌های گوناگون شده‌است، الگوهایی با ارائه دادن شیوه و نوع زندگی هماهنگ با باورها و عقاید متکی بر فرهنگ بومی آنان فراهم می‌آورد. به این نحو بازگشت به هویت ها و بازنگری امروزی آن، با استفاده از این غنای فرهنگی و هنری ایرانی امکان‌پذیر خواهد شد. نظامی از جمله ادیبانی است که به این مهم پرداخته است. اشعار وی از مضامین عمیق حکمی و اخلاقی و عرفانی و زیبایی‌شناسی برخوردار است. به ویژه اثر هفت پیکر هم در عمق و معنا و هم در شکل ظاهری ابیات بسیار زیبا و منحصر به فرد است. همچنین هفت پیکر نه تنها از جنبه‌ی ادبی و مضمون بلکه از نظر ساختار داستانی نیز مورد توجه اندیشمندان قرار داشته‌است. این شاعر پرآوازه در این منظومه با پیوند ماجراهای تاریخی و افسانه‌ها و ادبیات شفاهی موجب نوآوری منظومه‌ای با ساختار محکم گردیده است. منظومه او با داشتن داستان‌های متعدد و متنوع نظم و سامانی ویژه دارد که به خوبی توانسته به این اثر ادبی یکپارچگی و هماهنگی بخشد. چیدمان داستان‌ها و روایات اصلی و فرعی این منظومه با ژرف اندیشی زیادی صورت گرفته است. پیوندی بین تمامی معانی معرفتی و حکمی ابیاتش با سطوح تصویری و زیباشناسی درآمیخته است و می‌توان ادعان داشت که که منظومه هفت پیکر، شاهکار است، که ادراک شاعر را به

در این اب و خاک، ایرانیان نارضایتی خود را از سلطه حکومت امویان و عباسیان پنهان نکردند و با تشکیل دولت‌هایی نظیر طاهریان، صفاریان، سامانیان، آل‌بویه، غزنویان، سلجوقیان کوشش برای استقلال ایران انجام دادند. از پوشاک زنان در در سال‌های اولیه ورود اسلام به ایران اطلاع چندانی در دست نیست ولی با جا مانده و متون پراکنده‌ی مورخان و تاریخ‌نویسان می‌توان دریافت، "در قرون اولیه لباس زنان شباهت زیادی به تن‌پوش مردان داشته که پوششی، محلی و بومی بوده که ادامه‌ی همان تن‌پوش دوره ساسانی است و عناصر اصلی لباس زنان از عهد طاهریان تا حکومت ایلخانیان تقریباً بدون تغییر ادامه پیدا کرد و پوشش زن در بیرون از خانه مقنعه و چادر بوده است." (غیبی، ۱۳۸۴: ۳۳۸) پوشاک زنان تا قرن هشتم (ه.ق) یعنی تا آغاز فرمانروایی ایلخانان عبارت بود از: پیراهن، قبا یا روپوش، شلوار، کمر بند یا شال، کلاه، عمامه یا دستار، تاج و دیهیم، مقنعه، چادر، جوراب و کفش. در سفرنامه‌ی کلاویخو در مورد زنان دوره‌ی مغول آمده است که، زنان از عطریات و وسایل و لوازم آرایشی استفاده می‌کردند. پوشاک زنان در اجتماع عبارت است از، پارچه‌ی سفید که سرپای را می‌پوشاند (پیچه) و نقابی از موی اسب بر صورت قرار می‌دهند تا شناخته نشوند.

پوشاک زنان دوره ایلخانی و تیموری

مغولان طایفه‌ی چادر نشین بودند با نژاد زرد که در مغولستان زندگی می‌کردند و با فرماندهی چنگیز خان کشتار و ویرانی‌های زیادی را در سرزمین‌های مختلف ایجاد کردند. هجوم وحشیانه مغول‌ها به سرزمین‌ها باعث رکود آثار هنری و ادبی و علمی شد. اگرچه سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه با درمقابل هجوم مغولان ایستادگی کرد ولی در نهایت در سال ۶۲۸ (ه.ق) شکست خورد و کشته شد. اوکتای قاآن بر تمام ایران غلبه کرد و هولاکو خان با منقرض ساختن سلسله عباسی بعد از پانصد سال و برانداختن اسماعیلیه، سلسله ایلخانان پایه‌گذاری کرد و بر تخت سلطنت نشست. نوع پوشاک بانوان (تصویر ۱) در این دوره در بردارنده چندین لایه از ردهای بلند و تنگ با آستین بلند بود به طوریکه پیراهن کل بدن را تا پاها می‌پوشانید. پوشش رویی، آستین کوتاه و گاه بی‌آستین بودند. دستارهای زنانه در این دوره، ساده بود و گاه از پشت آویزان می‌گردید. برخی نیز سرپوش‌هایی با زبانه‌هایی پهن تا جلو گوش‌ها داشتند که با بندبندی در زیر چانه محکم می‌گردید.

صورت هفت رنگ جلوه می‌دهد. از جمله بخش‌های اساسی هر تحقیقی، تأمل در متون ادبی مرتبط با موضوع پژوهش می‌باشد؛ که از اهمیت زیادی برخوردار است؛ چرا که از یک طرف، محقق را با پژوهش‌های مرتبط با موضوع و بهره‌گیری از داده‌ها و توصیه‌های آنها آشنا می‌سازد و از جنبه‌ای دیگر، نشان می‌دهد که چه زوایای پنهانی وجود دارد که به آنها توجه نشده است. بر طبق آن برای پیشبرد روال تحقیقات حاضر، سابقه‌ی تحقیقی مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت که از جمله آنها، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

(محمدابراهیم زارعی و مریم دولتی، ۱۳۹۶) در مقاله ای با عنوان **بررسی تطبیقی پوشاک رزم بر اساس مطالعه نگاره‌های نسخ خطی در مکاتب هرات و تبریز**، یکی از موضوعات قابل بررسی در مطالعه نگاره‌ها را مطالعه نوع پوشاک افراد می‌دانند که در هر عصر با توجه به موضوع نگاره و مسائل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آن را متفاوت دانسته‌اند و نتایج پژوهش بیانگر آن است که هنرمندان در خلق نگاره‌ها بازتابی از واقعیت جامعه را نمایش داده‌اند؛ به عبارتی انواع پوشاک رزم در نگاره‌های مکاتب هرات و تبریز در کنار مراجعه به متون قابل بازسازی است. (سوری عبداللهی، ۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان **بررسی تطبیقی پیکر زنان در آثار جنید و بهزاد**، به پیدا کردن وجه اشتراک پیکر زنان در بین نگاره‌های آثار جنید بغدادی و کمال الدین بهزاد با اشاره به نمادهای مشترک بکار رفته در آثار این دو هنرمند مطرح و تحلیل نگاره‌های آنها پرداخته است. در این راستا (مهتاب د ادخواه و نویسندگان، ۱۳۹۹)، به موضوع: **تصویر زنان در نگاره‌های مکتب تبریز و متون دوره صفوی**، پرداخته و در مطالعه نگاره‌های شاهنامه شاه تهماسب، خمسة نظامی و هفت‌اورنگ جامی نشان دادند که زنان در دوره صفوی دست‌کم در دوران هم‌زمان با مکتب تبریز برخلاف متون تاریخی آن دوره نقش پررنگ و فعال‌تری در جامعه داشته‌اند. همچنین (مریم انصاری یکتا و رضوان احمدی پیام، ۱۳۹۳) با عنوان **بررسی تطبیقی پوشش زنان تصویر شده در شاهنامه بایسنقری و شاه طهماسبی**، به پوشش زنان در دوره تیموری و صفوی و تصاویر آنها در متن‌های شاهنامه بایسنقری و شاه طهماسبی پرداخته است.

پوشاک زنان پس از ورود اسلام تا عهد ایلخانی دو قرن بعد از ورود اعراب مسلمان بر ایران و نفوذ فرهنگ عربی

پر زینت و بلند بوده است. استفاده از روبندهای شفاف معمول بوده است. روسری بادبزننی شکل در جلوی گردن بسته می شده و اضافات آن پشت گردن می افتاده است. زنان از چادر و کلاه های بلند استفاده می کردند. انواع مختلف زیورآلات زنان نظیر، گردن بند، گوشواره، موبند و تاج بوده است (محبی، ۱۳۸۹: ۱۷۶).

نظامی گنجوی

«الیاس متخلص به نظامی، پسر یوسف، پسر زکی، پسر مؤید کینه او "ابو محمد" و لقبش "نظام الدین" و تخلصش نظامی است» (شهابی، ۱۳۳۷: ۱۴). نظامی دو فرزند داشت که یکی آنها در کودکی می میرد و فرزند دیگرش محمد است که در آغاز نگارش منظومه هفت پیکر در حدود هجده یا نوزده سال داشته و پندهای اخلاقی این شاعر برای او نوشته شده است. محل تولد و محل فوت نظامی شهر گنجه است. سال تولد نظامی بین سال های ۵۳۰ و ۵۴۳ (ق.ه) بوده ولی تاریخ تولد بر روی سنگ قبرش ۵۳۵ (ق.ه) ذکر شده است. و همچنین سال مرگ وی را ۶۰۰ تا ۶۰۲ (ق.ه) روایت شده است (شهابی، ۱۳۳۷: ۹۵). نظامی که به آفریدگاری یگانه معتقد بوده و در آغاز همه مثنوی ها در حمد و ستایش خدا می آورد. او مانند بسیاری از بزرگان ایرانی به اهل بیت و به ویژه حضرت علی (ع) و پیامبر (ص) ارادت خاصی داشت. نظامی در بسیاری از علوم سرآمد بود نظیر تاریخ، فلسفه، منطق، شعر، ستاره شناسی، هندسه و جغرافیا و فقه همچنین در هنر معماری و موسیقی و نقاشی نیز مهارت داشت.

منظومه ی هفت پیکر

هفت پیکر یا بهرام نامه یا هفت گنبد که چهارمین منظومه است از نظر کیفیت از شاهکارهای او محسوب می شود. این منظومه از جهت اساس و پایه کلی و روند داستانی می توان بر دو بخش مختلف تقسیم کرد: یکی بخش اول و آخر کتاب درباره ی روایتی از بهرام پنجم ساسانی از بدو تولد تا مرگ رازگونه ی او، الهام گرفته از داستانی تاریخی است و دیگر بخش میانی که مربوط به رزم بهرام گور می شود. «نظامی هفت پیکر را با افسانه و تاریخ می آمیزد، و افسانه از آنجا آغاز می کند که بهرام وارد حجره ای در یسته در خورنق می رود و در آنجا هفت تصویر می بیند، هر تصویر متعلق به دختری از یکی از شهریاران هفت اقلیم: فورک (دخت رای هند)، یغماناز (دخت خاقان چین)، نازپری (دخت خوارزمشاه)، نسرین نوش (دخت شاه سقلاّب)، آزیون (دخت شاه مغرب)، همای (دخت قیصر)، دژستی (دخت کسری). این



تصویر ۱- هیئت عمومی یک بانوی قرن ۸ و ۹ (ق.ه) (طرح از کلارا آبکار از پوشاک زنان، ص ۱۶۵)

طبق اطلاعاتی که اروپاییان از پوشش زنان ایران در آن زمان می دهند پوششی سفید (چادر سفید) بود که در معابر می پوشیدند به طوری که صورتشان در پشت توری سیاهی بافته شده از موی اسب (پیچه) مستور می کردند. از انواع دیگر روبنده (دهن بند) که کاربرد داشت، نقابی سفید و کوچک بود که تنها دهان و چانه را می پوشانید. (دایرة المعارف اسلام، ۱۹۸۶، ج ۵: ۷۴۹) محبتی در کتاب "پوشش و حجاب زن در ادبیات فارسی" درباره ی نوع لباس زنان اشاره دارد: بالا پوش زنان جلو باز و دارای آستین بود که گاهی یقه برگردان های کوتاه و صاف داشت و بالا پوش روی پیراهن پوشیده می شده است. همچنین پیراهن هایی با یقه بلند که گاهی چاکی در فاصله ی بین سینه و گردن داشت. کمر بند یا شالی روی کمر بسته می شده است. لباس روی خیلی

از طریق حواس، ایجاد معنا می‌کند. در نتیجه واژه‌ی "استتیک" بر هر نوع ادراک مبتنی بر حواس رهنمود می‌شود و فقط به ادراک هنری و زیبایی تعلّق ندارد. البته تأمل در عرصه زیبایی‌شناسی بدین معنا به هیچ وجه متضمن تجلی اندیشه‌های افلاطون در زمینه زیبایی به منزله نماد نیکی نیست. بنا براین با توجه به ریشه و کاربرد استتیک موجب تجربه زیبایی‌شناختی بیشتر در بستر تجربه حسی است.

نخستین بار زیبایی‌شناسی توسط الکساندر گاتلیب باوم گارتن (Alexander Gottlieb Baumgarten) در کتابی به نام "زیبایی" (Aesthetica) است، به کار رفت. وجه عمده او در این سیطره توصیف زیبایی‌شناسی به عنوان یکی از علوم خیال‌آفرین بود تا سلیقه و احساس را قاعده‌ای برای کمال قرار دهد. وی برای مبانی نظری فرهنگی و نقد هنر در سنامه‌ای در رابطه با زیبایی‌شناسی به عنوان شاخه‌ای از فلسفه مدون کرد.

در سیره افلاطونی با معقوله زیبایی مواجه هستیم که همانند سایر معانی به حمایت عقل، درک می‌شود و در واقع درک و شناخت زیبایی به مثابه درک خوب و عدالت در مقوله برترین شناخت‌های عقلی است. در باور برخی از فیلسوفان سده میانه واژه‌ی "زیبا" هم تراز سایر چگونگی وجودی موجود یا دست کم چیزی شبیه یک معقول ثانی فلسفی است. از نظر آنها این جهان به پاس انسان آفریده شده است. خدا همه نهایت‌ها و اولین محرک، والاترین موجودیت خلقت است که به همه چیز جان و روح و حرکت می‌بخشد. به موجب این عالم انسان، می‌تواند تجلیات عقل و زیبایی را شاهد باشد. اگرچه تجربه زیبایی‌شناختی با حواس شروع می‌شود، اما هرگز با آن پایانی ندارد، ما از طریق مشاهدات عناصر بصری یک اثر به درک و تجربه زیبایی‌شناختی آن می‌رسیم و حس‌هایی از قبیل نشاط، امنیت، رنج، تحرک یا سکون، شفافیت، احساسات، خشم یا اضطراب را تجربه می‌کنیم، و این به این معنا نیست که صرفاً با تجربه زیباشناختی از طریف احساس مشاهده شود، بلکه از فرایندهای جسمانی به سوی مفهوم و معنا و از روند احساسی به ذهنی حرکت می‌کند. در این صورت هنر و زیبایی بدون وجود احساس نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد و در این مسیر تعالی است که احساس به حوزه مفاهیم انتقال می‌یابد" (اسفندیاری، ۱۳۹۲، ۶۷-۸۳).

زیبایی‌شناسی در پوشاک

پوشاک علاوه بر بر وجوه مختلف فرهنگی، مانند آیین و نماد

شهزاده‌ها اسم ایرانی دارند. بهرام در آنجا تصویر جوانی نو خط می‌بیند که بر آن نام بهرام نوشته بودند که او این هفت عروس را در کنار خواهد گرفت. این اتفاق سبب شد که بهرام، بنایی با هفت گنبد بسازد به هفت رنگ و به نام هفت سیاره، تا در روزی که به آن سیاره پیوند دارد با یکی از دختران پادشاهان هفت اقلیم در گنبدی نشاط کند. یعنی روز شنبه در گنبد سیاه که این رنگ متعلق به کیوان است. به همین ترتیب روز یکشنبه در گنبد زرد رنگ که منسوب به آفتاب است و روز دوشنبه در گنبد سبز که منسوب به ماه است و روز سه شنبه در گنبد سرخ که منسوب به مریخ است و روز چهارشنبه در گنبد پیروزه ای که منسوب به مشتری است و روز پنجشنبه در گنبد صندل رنگ که منسوب به عطارد است و روز جمعه در گنبد سفید رنگ که منسوب به زهره است» (آیتی، ۱۳۸۲: ۲۴-۲۳).

مکتب هرات دوره‌ی تیموری

«نگارگری ایران یکی از سبک‌های نقاشی ایرانی در سده نهم (ه.ق) است که در هرات پایه‌گذاری شد. شاهرخ فرزند تیمور حاکم خراسان، سیستان، ری و مازندران را بود. پس از مرگ تیمور در سال ۸۰۷ (ه.ق) در هرات به سلطنت رسید و تا ۸۵۰ (ه.ق) حاکم هرات بود. او با احیا اراضی هرات و برخی شهرهای دیگر، زمینه را برای پیشرفت فرهنگ و هنر و مکتب هرات فراهم آورد.» (موزه‌ی هنرهای معاصر، ۱۳۸۴: ۲۱). «در دوره زمامداری شاهرخ هرات پایتخت مملکت خراسان گردید و به موجب روابط با خاندان مینگ چین و سفیران به دربارهای یکدیگر رفت و آمد می‌کردند، به همین علت تأثیر هنر چینی در مکتب هرات نمایان گشت از جمله مصورسازی کتب به رسوم و شیوه‌ی چینی بود» (زکی، ۱۳۲۰: ۴۵). «سوژه نقاشی مکتب هرات در میانه سده پانزده (م) بیشتر از داستانهای عاشقانه رمزآمیز و محبوب نظامی بود و از هر لحاظ سنت‌گرایی خاص در طراحی رنگ‌آمیزی صحنه‌های مختلف، جلوه‌ی مختص به خود را داشت، که در دوره‌های بعدی هنرمندان هیچگاه کاملاً بدان دست نیافته‌اند» (بینیون و همکاران، ۱۳۶۷: ۲۲۵).

زیبایی‌شناسی

اصطلاح زیبایی‌شناسی در زبان فارسی، ترجمهٔ واژهٔ aesthetic است که ریشه یونانی (aisthanesthai) دارد و به معنی درک و شعور حسی است. (بووی، ۱۳۸۵: ۱۲۰) «این کلمه هم بر احساس و هم بر دریافت حسی دلالت دارد و به طور کلی درک

اقتصادی. استاتیک یا ایستانگری ربطی به استتیک ندارد. استتیک بیان حس لذت و نقد زیبایی- زشتی هنر است. بنابراین الگوهای زیباشناسانه که در متون ادبی استفاده شده مانند: فکر، تخیل، عاطفه، ابتکار و نوآوری و بیان، که از دید معنایی و زیبایی‌شناسی دارای بار کلامی، روابط منطقی، نوآوری می‌باشند. در شعر، فکر و تخیل با عاطفه و کلام تبیین می‌شود.

"از فعالیت‌های ذهنی فکر می‌باشد که مانند تخیل، شناخت، حضور، وجدان، گویای فرد است که موجب به یک اندیشه‌ی مشخص می‌گردد. فکر ریشه‌ی گفتار، استدلال و عمل است. تخیل نیروی تجسم، تصویر و حس‌های نو و بدیع است، قصه و داستان برای بارآوردن تخیل لازم است که با تمرکز در کلمات قصه و روایت "جهان برانگیخته" تکوین می‌شود. داستان‌های تخیلی یا علمی- تخیلی درباره فضا و آسمان، داستان‌های افسانه‌ی پریان، از این نمونه هستند. تخیل با حافظه، ادراک، نوآوری و بیان هنری ربط دارد ولی با باور و واقعیت متفاوت است.

فهم شعر برای شنونده با توجه به عقل امکان پذیر است، ولی از نگاه هنری از آن لذت می‌برد. زیبایی‌شناسی متون ادبی و اشعار را می‌توان در ۱۲ اصل زیر مشخص نمود: سلسله مراتب، تمرکز، تبیین/ تقابل، تنش/ چیرگی، توازن/ تناسب، ریتم، جریان، عمق، مقیاس، حرکت/ توسعه، وحدت، هماهنگی." (کوشش، ۱۳۸۹: ۱۱-۱۳۶)

مفهوم زیبایی‌شناسی در اشعار نظامی گنجوی

در تمام طول تاریخ شاعران همواره در پی زیبایی بوده‌اند. مانند زیباترین کلمات، غزل‌ها، ترکیب و تنظیم، معنا و محتوا و زیباترین وزن، ردیف، قافیه. حافظ و سعدی و عطار، مولوی و سنایی و نظامی که در این بحث مورد نظر و سنجش ما هستند. "تسلط بی‌مانند نظامی در توصیف زیبایی اشعارش انکار ناپذیر است. تصویرسازی‌های بی‌مثال وی، ایجاد صورخیالی، انگاره‌های برگرفته از تخیل افسانه‌ای و خارق‌العاده او به صورتی است که شاعران بعد از وی مانند وحشی و وصال و چند تن دیگر تنها سایه‌ایی از ذهنیات او را نشان دادند. نظامی تمامی معانی معرفتی و حکمی اشعارش را با اقسام مختلف تصویری و زیبایی‌شناسی پیوند زده است و اینطور می‌توان اذعان داشت که هفت پیکر، نمونه شاهکار نظامی همچون حقیقت نورانی است که از ادراک ذهنی او تراوش شده است. در تاریخ ادب پارسی

و نشانه، کاربردهای زیبایی‌شناسی نیز دارد بنابراین، می‌توان آن را از چشم‌انداز هنری نیز مورد بررسی قرارداد. مشخصاتی نظیر نوع پارچه، نقش، رنگ و تزیینات، می‌تواند مانند ابزاری برای هنرمند باشد تا با استفاده از آنها به تهیه پوشاک اقدام کند به این جهت این عوامل دارای مشخصه‌های هنری و زیبایی‌شناختی است. توجه به رنگ و ایجاد هماهنگی و نظم، موجب خلق آثار هنری می‌گردد. مجموع این عوامل، پایه ریز تا افرادی است که با خلاقیت و نوآوری موجب تنوع در زیبا آفرینی پوشاک هستند، ریسنده تا بافنده و غیره، هنرمندان عرصه‌ی پوشاک هستند که هنر آنان در دو بعد گزینش و ترکیب امکان جلوه دارد. البته پارچه، نقش، رنگ‌بندی، تزیینات و ملحقاتی که روی لباس کار می‌شود، می‌توان از عناصر زیبایی‌شناسی لباس باشد.

"از جهت نمود هنری پوشاک مسلمانان، از طریق متون تاریخی و آثار هنری مانند نسخه‌های مصور، دیوارنگاره‌ها، نقاشی‌ها، قلمدان، ظروف سفالین و غیره، و نیز در آثار دوره‌های اخیر می‌توان با تأمل در زیبایی‌شناسی پوشاک را بیرون کشید. عناصر زیبایی‌شناختی در آثار هنری بسته به نوع و جنس و نقش متمایز است و فقط برخی از عوامل می‌توانند در به وجود آمدن ارزش هنری یک اثر سهمیم باشند و در عین حال بعضی عوامل غایب‌اند. پوشاک به جهت اهمیت بار هنری آن مستثنا نیست و تنها در بردانده‌ی بعضی از ارزش هنری است، اما دو خصوصیت است که موجب می‌شود که پوشاک با محدودی وسیع مورد توجه قرار گیرد. اولین خصوصیت جنسیت ماده تشکیل‌دهنده پوشاک، رنگ‌بندی، تزیینات، شکل و فرم، خلاقیت از عوامل شکل‌دهنده آنهاست. خصوصیت دوم که در یک مطالعه‌ی تحلیلی، نحوه‌ی مشاهده و تأمل در ویژگی‌های لباس از طریق تصاویر مصور شده یا آثار هنری دیگر است. سابقه تاریخی پوشاک را می‌توان از نگاره‌ها و یا سفالینه‌ها و یا مجسمه مشاهده کرد به طور مثال از تصاویر روی ظروف سفالی، علاوه بر طرح و الگو، می‌توان به تقارن، توازن و نظم در جنبه‌های هنری لباس رسید. و از روی تصاویر نقاشی و نگاره‌ها عواملی مانند رنگ، ترکیب‌بندی، میزان تراکم و محتوا، همجواری رنگ‌ها را می‌توان مشاهده کرد." (محبتی، ۱۳۸۹: ۲۲۱-۲۱۹)

زیبایی‌شناسی در شعر

رشته‌ی زیبایی‌شناسی یا استتیک در فلسفه برای بازبینی عوامل محرک در ذهن در رابطه با حس زیبایی در هنر و ادبیات است؛ جدا از ملاحظات اخلاق، سلوک، اجتماعی، عملی،

با ذرات پرهیز می‌کند و فضای خالی نیز در آثار او به ندرت دیده می‌شود، و ... از دیگر ویژگی‌های اصول زیبایی‌شناسی در مکتب هرات تحرک و نشاط در تصاویر است به طوری که تصاویر با قرار گرفتن در نزدیک لبه‌ی بالایی صفحه عمق بیشتر پیدا کرده‌اند. استفاده از واقع‌گرایی و ترکیب‌بندی‌های دایره وار و وحدت در فضای بیرونی و درونی، زدودن فاصله دور و نزدیک از اصولی هستند که در زیبایی‌شناسی این مکتب کاربرد داشته‌است.

بحث و ارزیابی نمونه‌های مطالعاتی

حال با توجه به آنچه در بدنه اصلی تحقیق به آن اشاره شد، به بحث و ارزیابی نمونه‌های مطالعاتی پرداخته می‌شود. داستان (۱) قصه ی بهرام با کنیزک خویش (فته): بهرام گور با کنیزک و گروهی از سربازانش به شکار می‌رود و در شکارگاه با تبهر آهوئی را شکار می‌کند ولی با کمال تعجب از طرف کنیز تشویق نمی‌شود، وقتی بی‌اعتنایی کنیزک را دید از او خشمگین می‌شود و دستور کشتن او را به سرهنگی که در شکار همراهش بود، می‌دهد. کنیزک برای این که جان خود را بخرد، به سرهنگ، گردن بند خود و چند گوهر گرانبها می‌دهد و از او می‌خواهد تا از خون او بگذرد.

"این سخن گفت و عقد باز گشاد

پیش او هفت پاره لعل نهاد" (همان: ۱۱)

عقد؛ به معنی گردن بند است. پاره لعل هم به معنی سنگ‌های قیمتی است.

سرهنگ کنیزک را در بالای قصر کوچکی که ۶۰ پله داشت جای می‌دهد. سرهنگ گاوی داشت که تازه صاحب گوساله شده بود. هر روز کنیزک گوساله را بر دوش می‌گذاشت و بالای قصر می‌برد. گوساله، گاوشد، اما کنیزک همچنان این کار را ادامه داد. تا اینکه روزی مقداری جواهر به سرهنگ داد و از او خواست تا مهمانی بزرگی ترتیب دهد و از شاه نیز دعوت کند. سرهنگ همه چیز را مهیا کرد، و شاه را بالای قصر برد. بهرام به سرهنگ گفت: چگونه با این سن این همه پله را بالا می‌آیی؟ سرهنگ گفت: کنیزی دارم که گاو بر دوش این پله‌ها را بالا می‌آید. کنیزک آماده می‌شود تا این کار را در حضور شاه انجام دهد.

"زیب و زیور چینان بر بست

داد گل را خمار نرگس مست

کمتر شاعری مانند نظامی در انتخاب کلمات زیبا، هنر خود را نشان داده است". (هفته نامه ادب و هنر: ۱۳۹۴)

زیبایی‌شناسی در نگارگری

هنر نگارگری ایران متأثر از معیارهای زیبایی شناختی خاص خودش است، این معیارها در طول زمان و به واسطه‌ی شاخص‌هایی نظیر سنت‌های بومی، تأثیرپذیری از فرهنگ تصویری متفاوت، همچنان منطبق با معیارهای هنرهای سنتی در جهت تعالی و تکامل قدم برداشته‌است. نگاه هنرمند ایرانی به جهان پیرامون مانند، نگاه به طبیعت با چشم‌درون است و اشعار عرفانی با روحیه‌ی شرقی و سنت‌ها، از عوامل بازدارنده این چشم بوده است. "نگارگر با این چشم و به واسطه‌ی شهود و رای هر صورت مادی می‌بیند و با پیروی از باورها و عقاید، جنبه‌های معنوی و مثالی پدیده‌ها توجه دارد. به عبارتی دیگر، این چشم درونی، همان چشم‌دل است که به عالم معنا عنایت دارد. از نظر نگارگر ایرانی، همه چیز آشکار و پدیدار است یعنی نمود معنا است و هنرمند ایرانی برای آشکار کردن حقیقت، پرده از روی آن برمی‌دارد. او در جوار عارفان و حکیمان در بصیرت عرفانی و الهی از عالم همدست و شریک است که نتیجه چنین نگرشی در اثر هنری‌اش آشکار می‌شود". (معین الدینی، عصار کاشانی، ۱۳۹۱)

زیبایی‌شناسی در مکتب هرات

" دوره‌ی حکومت بایسنقر میرزا پسر شاهرخ مکتب هرات رشد و پیشرفت زیادی نمود. به عبارتی، در این محدوده‌ی زمانی نگارگری ایرانی تبدیل به هنری می‌شود که هویت و تاریخ یک جامعه را بازگو می‌نماید و نشانگر فرهنگ ایرانی است که در حیطه‌ی نگرش و معرفت ایرانی - اسلامی رشد نموده است. انتخاب رنگ‌هایی که در مکتب ن هرات مورد استفاده قرار گرفته‌اند بیشتر درخشان و گرم هستند، و همچنین کاربرد رنگ طلایی در نقاشی‌ها بیشتر می‌شود". (آژند، ۱۳۷۸: ۳۹)

از اصول زیبایی‌شناسی مکتب هرات اصل ذره‌گرایی است که در تمامی آثار وجود دارد و هنرمندان این دوره هر کدام اصولی دیگر از زیبایی‌شناسی هنر ایرانی را با " ذره گرایی " همساز و همراه کرده‌اند. کمال الدین بهزاد از نقاشان بزرگ این دوره، ترکیب‌بندی‌های ذرات تشکیل‌دهنده‌ی تصاویر را معمولاً با سطوح کوچک و بزرگ و ساختارهای معماری پیوند می‌زند نظیر (نگاره‌ی مأمون در حمام)، سلطان محمد از دیگر نقاشان برجسته این دوره از بکاربردن سطوح در ارتباط

زیب و زیور چینی، اشاره به زیورات زنان چینی دارد.

"ماه را مشک راند بر تقویم
غمزه را داد جادویی تعلیم

یعنی بر صفحه ی تقویم ماه رخسار خود مشک گیسو را
پراکند.

چشم را سرمه ی فریب کشید
ناز را بر سر عتیب کشید

چشم را سرمه ی فریب کشید، یعنی: به چشمان خود سرمه
کشید، برای این که به این وسیله شاه را فریب بدهد.

سرو را رنگ ارغوانی داد
لاله را قد خیزرانی داد

یعنی، سرو قامت را از رخسار رنگ ارغوانی و لاله ی رخسار
را از سرو قامت قد خیزرانی داد."
(همان، ۱۱۶)

"در برآمود سرو سیمین را
بست بر ماه عقد پروین را

درآمود: مروارید را به رشته کشیدن (کنایه از شعر خوب
سرودن)، آمودن: زینت دادن، به رشته کشیدن.
معنی بیت: یعنی گردن بندی از مروارید به گردن آویخت.

تاج عنبر نهاد بر سر دوش
طوق غبغب کشید تا بن گوش

یعنی از گیسو تاج عنبر بر سر دوش نهاد و طوق غبغب را تا
بن گوش کشید.

زنگی زلف و خال هندورنگ
هر دو با یکدگر فتاده به جنگ

زنگی: کنایه از رنگ سیاه

شبه خال بر عقیق لبش
مهر زنگی نهاده بر رطبش

اشاره به خال کوچک در صورت و رنگ لب دارد.

فرقش از دانه های در خوشاب
بسته گرد مه از ستاره نقاب

زنان برای زینت فرق بندی از فرق سر تا زیر گلو و اطراف
صورت می بستند که در و گوهر سیم و زر در آن بوده است و
هنوز نمونه ی آن در زنان کوه نشین و ارمنیان دیده می شود.

گوهر گوش گوهر آویزش
کرده بازار عاشقان تیزش

گوهر اول، به معنی ذات و اصل. گوهر دوم، به معنی یاقوت
و لولو و امثال آن است. یعنی: جوهر و ذات لطیف گوش گوهر
آویزش بازار عاشقان را رواج و رونق داده است.

ماه را در نقاب کافوری
بسته چون در سمن گل سوری

نقاب کافوری: حریر سفید لطفی است که بر صورت می
افکندند و صورت از پشت آن نمودار بوده و هنوز هم در زنان
اروپا مرسوم است.

چون که ماه دو هفته از سر ناز
کرد هر هفت از آنچه باید ساز

هر هفت: هفت قلم آرایش زنان، که عبارت است از، حنا
و وسمه و سرخاب و سفیداب و سرمه و زرک و هفتم را بعضی
غالیه و بوی خوش و بعضی خال عارض (صورت) نوشته
اند. (همان، ۱۱۷)

شاه وقتی با چشم خود کنیزک را در حال انجام آن کار می
بیند تعجب می کند.

شاه گفت: این نه زورمندی توست
بلکه تعلیم کرده ای ز نخست
اندک اندک به سال های دراز

کرده ای بر طریق ادمان ساز" (همان، ۱۱۸)

کنیزک که موقع را مناسب می بیند، می گوید: چگونه باشد،
گاو با تعلیم و گور بی تعلیم؟ شاه به یکباره یاد کنیزک خود می
افتاد، و کنیزک نیز برقع از صورت خود برمی دارد. بهرام از دیدن
او شاد می شود و از او دلجویی می کند.

"برقع از ماه کرد و چو دید
ز اشک بر مه فشاند مروارید
گفت اگر خانه گشت زندانت
عذر خواهم هزار چندانت" (همان: ۱۱۹)

و زدند. وقتی جوان به آنها خود را شناساند آنها او را باز کردند و داستان آن مهمانی را تعریف کردند. آنها گفتند که تعدادی از زیبارویان شهر به اینجا آمده اند و خوشی می کنند و ما را نگرهبان کرده اند. آن دو نگرهبان به جوان گفتند اگر می خواهی در یکی از اتاق ها بمان و خوشی کردن آنها را ببین او نیز چنین کرد. در باغ حوضی بود که دختران در آن به آبتنی پرداختند.

"آمدند آن بتان خرگاهی
حوض دیدند و ماه با ماهی
سوی حوض آمدند نازکنان
گره از بند فوطه بازکنان

فوطه: یعنی منسوج منقشی است که از آن ازار و زیر جامه و چادر می کنند و این جا ازار مقصود است.

صدره کنندند و بی نقاب شدند
وز لطافت چو در در آب شدند

صدره: جامه ای که بدان سینه را پوشانند. در: مروارید. یعنی، صدره را کنده و برهنه شده و چون در دریایی لطیف در آب شدند.

آسمانگون پرند پوشیدند
بر مه آسمان خروشیدند

آسمانگون پرند: پرندی به رنگ آبی آسمانی. یعنی، لباسی از جنس حریر و به رنگ آبی آسمانی پوشیدند.

آمدند از ره شکرباری
کرده زیر قصب کلهداری" (همان: ۲۹۹-۳۰۰)

"شکرباری: شیرین سخنی. قصب: قسمی پارچه ی ظریف که از کتان نرم و یا حریر می بافند. زیر قصب کله داری کردن: در عین به سر داشتن چارقد و چادر کاری چون کارهای مردانه می کردند." (آیتی، ۱۳۸۲: ۴۸۸)

در این بین عاشق دختر چنگ زنی شد که بسیار زیبا بود.

"در میان بود لعبتی چنگی
پیش رومی رخس همه زنگی

خواست او را به دست آورد اما هر بار نمی شد.

تا دگر باره ترک تازی کرد
خواجه را یافت دلنوازی کرد

فته، راز آن سخن ناخوشایند را به شاه این چنین گفت: که وقتی شما سر و سم گور را بهم چسبانید در نظرم کار عظیمی آمد و برای اینکه شما را چشم نکنم، بی اعتنایی کردم.

"هر چه را چشم در پسند آید
چشم زخمی در او گزند آید

شاه تحت تاثیر حرف او قرار گرفت و گفت:

ای هزار آفرین بر آن گوهری
کارد از طبع اینچنین هنری" (همان: ۱۲۰)

شاه سرهنگ را نواخت، حکومت ری را به او داد و خود به پایتخت رفت و از موبدان خواست تا آن کنیزک هنرمند و با خرد چینی را به عقد او درآورند. در این داستان به جنس، رنگ و نوع پوشاک، زیورآلات و آرایش که از مولفه های اصلی پوشاک زن هستند اشاره شده است. این موارد از معیارهای زیبایی شناسی در پوشاک زن نیز هستند. آرایش عبارتند از: مشک گیسو، سرمه، لاله رخسار، زنگی زلف، خال هندو، عقیق لب، هرهفت (هفت قلم) و زیورآلات عبارتند از: فرق بند عقد، لعل، زیب و زیور چینی عقد پروین و نوع عبارتند از: نقاب کافوری، برقع و جنس نقاب کافوری (حریر سفید رنگ) و رنگ نیز سپید می باشد. معیار زیبایی شناسی در اشعار نظامی رعایت شده است.

داستان (۲) نشستن بهرام روز آدینه در گنبد سپید و افسانه گفتن دختر پادشاه اقلیم هفتم: در روز جمعه بهرام سرا پا سفید پوشید و به دیدن دختر کسرا که با جامه آبی سپید به استقبال شاه می آمد رفت. بهرام از آن شاهزاده افسانه ای خواست، و او این چنین گفت، داستانی از مادرم که زنی پارسا و پاکدامن بود به خاطر دارم. از زبان دوستش داستانی برایم تعریف کرد. جوانی خوش سیما و نیکوکردار بود که باغی پرگل و آباد داشت. هر هفته ساعتی به باغ می آمد. در این داستان به یکی از مولفه های اصلی پوشاک زن یعنی رنگ اشاره شده است، که رنگ سپید است. رنگ نیز یکی از معیارهای زیبایی شناسی است که اگر به خوبی از آن در پوشاک استفاده شود باعث زیباتر شدن اثر هنرمند، که همانا طراح و یا دوزنده ی لباس است، می شود. معیارهای زیبایی شناسی در اشعار نظامی رعایت شده است.

داستان (۳) صاحب باغ دختران جوان را که آبتنی می کنند دزدانه نگاه می کند: روزی صاحب باغ به دیدن باغ آمد در باغ بسته بود و از باغ صدای آواز و آهنگ می آمد. مجبور شد دیوار را سوراخ کند. تا از سوراخ گذشت دو کنیز او را گرفتند و بستند

بند صدرش گشاد و شرم نهفت
بند صدری دگر که نتوان گفت...

همه رنگی تکلف اندودست
جز سپیدی که او نیالودست" (همان: ۳۱۵)

در این داستان به مولفه های اصلی پوشاک زن، که عبارتند از، جنس، رنگ، نوع پوشاک زن اشاره شده است. برای جنس، فوطه (پارچه ی منقوش) پرنده، قصب آمده است. رنگ را آسمانگون و سپید نام برده است و نوع را ازار و صدره (که هم به معنی جامه ای که بدان سینه را پوشانند و هم معنی شلوار می دهد. این موارد از مؤلفه های زیبایی شناسی در پوشاک زن است. معیارهای زیبایی شناسی در اشعار نظامی به خوبی بیان شده است.

صدرش: مخفف صدره اش می باشد، یعنی بند صدره و سینه بند را گشود. صدره ی دوم کنایه از شلوار است. (همان: ۳۰۲-۳۱۲)
تا اینکه متوجه کار ناپسندش شد، و او را به عقد خود در آورد. راه پارسایی پیش گرفت و از هوی و هوس دوری کرد و جامه ای سپید پوشید.

"در سپیدیست روشنایی روز
وز سپیدی ست مه جهان افروز

جدول (۱) معرفی و تحلیل نمونه نگاره های هفت پیکر

این جدول به منظور تحلیل نمونه های از هفت پیکر تهیه شده است، تا عناصر بصری پوشاک زنانی که در داستان های مورد مطالعه آمده است مشخص شود.

معرفی نمونه های هفت پیکر	
عناصر بصری پوشاک زن	داستان مورد مطالعه
این سخن گفت و عقد باز گشاد زیب و زیور چینیان بریست ماه را مشک راند بر تقویم چشم را سرمه ی فریب کشید در برآمد سرو سیمین را تاج عنبر نهاد بر سر دوش زنگی زلف و خال هندو رنگ شبه خال بر عقیق لبش فرقش از دانه های در خوشاب گوهر گوش گوهر آویزش ماه را در نقاب کافوری چون که ماه دو هفته از سر ناز برقع از ماه کرد و چو دید	داستان (۱) بهرام با کنیزک خویش (فته)
-	داستان (۲) نشستن بهرام روز آدینه در گنبد سپید و افسانه گفتن دختر پادشاه اقلیم هفتم
گره از بند فوطه بازکنان صدره کنندند و بی نقاب شدند آسمانگون پرنده پوشیدند آمدند از ره شکرباری بند صدرش گشاد و شرم نهفت	داستان (۳) صاحب باغ دختران جوان را که آبتنی می کنند دزدانه نگاه می کند

جدول (۲) معرفی مولفه‌های اصلی پوشاک زن از قبیل: طرح یا فرم (شکل)، جنس، رنگ، تزیینات، زیورآلات، به ترتیب بالا. در این جدول مولفه‌های پوشاک زن از قبیل، نوع، طرح یا فرم و شکل پوشاک زن، جنس و رنگ پوشاک زن و نقوشی که به صورت تزیینات و یا الحاقات انجام گرفته بر روی لباس ها به عنوان تزیینات مورد استفاده قرار می‌گرفته است، زیورآلات و آرایشی که زنان مورد استفاده قرار می‌دادند، در قالب جدول ارائه شده است.

داستان (۱)			
داستان های منظومه هفت پیکر	توصیف	اشارات شاعر	مولفه های پوشاک
داستان بهرام با کنیزک خویش (فتنه)	-	سربند	نوع
	-	روسری	
	برقع کنیزک (فتنه)، نقاب کافوری	روبند	
	-	پیراهن	
	-	قبا	
	-	شلوار	
	-	کمر بند	
	-	جوراب	
	-	کفش	
	نقاب کافوری (حریر سپید)	جنس	رنگ
	سپید	رنگ	
	-	تزیینات	
	زیب و زیور چینی، اشاره به زیورآلات زنان چینی دارد، گردن مروارید، فرق بند	زیورآلات	
	سرمه، سرخاب، خال هندو، زنگی زلف، عقیق لب، هفت قلم آرایش، رنگ ارغوانی رخسار	آرایش	
داستان (۲)			
داستان های منظومه هفت پیکر	توصیف	اشارات شاعر	مولفه های پوشاک
نشستن بهرام روز جمعه در گنبد سپید و افسانه گفتن دختر پادشاه کسری	-	سربند	نوع
	-	روسری	
	-	کلاه	
	-	پیراهن	
	-	قبا	
	-	شلوار	
	-	کمر بند	
	-	جوراب	
	-	کفش	
	-	جنس	رنگ
	جامه ی شاهزاده سپید رنگ است.	رنگ	
	-	تزیینات	
	-	زیورآلات	آرایش
	-	آرایش	

ادامه جدول (۲) معرفی مولفه‌های اصلی پوشاک زن از قبیل: طرح یا فرم (شکل)، جنس، رنگ، تزیینات، زیورآلات، به ترتیب بالا.

داستان (۳)			
داستان های منظومه هفت پیکر	توصیف	اشارات شاعر	مولفه های پوشاک
صاحب باغ دختران جوان را که آبتنی می کنند دزدانه نگاه می کند (گنبد سپید)	-	سر بند	نوع
	-	رو سری	
	نقاب	رو بند	
	-	کلاه	
	صدره	زیر پیراهن	
	-	پیراهن	
	-	قبا	
	صدره	شلوار	
	-	کمر بند	
	-	جوراب	
	-	کفش	
	فوطه، پرند، قصب	جنس	آرایش
	آسمانگون	رنگ	
	-	تزیینات	
	-	زیورآلات	
	اشاره به موهای بلند شده است.		

جدول (۳) تحلیل و توصیف اشارات شاعر

هدف از ایجاد این جدول به دست آوردن اطلاعاتی در مورد اشاراتی است که شاعر در خصوص مولفه‌های پوشاک زن بیان کرده است، که در متن آمده و به این وسیله محقق سعی کرده تا معنی لغاتی که در متن آمده است و در مورد مؤلفه‌های اصلی پوشاک زن است، مانند: جنس منسوجات، نوع پوشاک، زیورآلات و آرایش را عنوان کند تا ابهامی باقی نماند.

جنس، طرح پوشش، زیورآلات، آرایش		
توصیف	اشارات شاعر	
یعنی منسوج منقشی است که از آن آزار و زیر جامه و چادر می کنند و این جا آزار مقصود است.	فوطه	جنسیت
پارچه حریر ساده	پرند	
قسمی پارچه ی ظریف که از کتان نرم و یا حریر می بافتند	قصب	
نقاب، روبند زنان	برقع	نوع
حریر سفید لطفی است که بر صورت می افکنند و صورت از پشت آن نمودار بوده و هنوز هم در زنان اروپا مرسوم است.	نقاب کافوری	
جامه ای که بدان سینه را پوشانند. در این جا هم به معنی پیراهن استفاده شده است و هم شلوار.	صدره	
گردن بند	عقد	زیورآلات
گردن بند مروارید	عقد پروین	
زینتی که زنان از فرق سر تا زیر گلو و اطراف صورت می بستند که در و گوهر سیم و زر در آن بوده است و هنوز نمونه ی آن در زنان کوه نشین و ارمنیان دیده می شود.	فرق بند	
زینتی است به نام زنج بند که هنوز هم در میان کوه نشینان، مخصوصا ارمنیان، معمول است.	عقد زنج (زنج بند)	
زینتی است عنبر آگین و سیاه رنگ که زنان به گردن می بستند.	عنبرینه	
خال که هندی ها وسط ابرو می گذاشتند	خال هندو	
موهای سیاه	زنگی زلف	
اشاره به قرمزی لب دارد.	عقیق لب	
ماده ای خوش بو است که به عنوان عطر از آنها استفاده می شده است.	مشک و کافور	
بوی خوشی مرکب از مشک و عنبر و باله به رنگ سیاه که موی را بدان خضاب کنند. (فرهنگ دهخدا)	غالبه	

جدول (۴) معرفی و تحلیل نمونه نگاره‌های هفت پیکر

جدول پیش رو مشخصات نگاره‌ها همراه با تجزیه و تحلیل آنها را نشان می‌دهد، و به بررسی مؤلفه‌های اصلی پوشاک زن در نگارگری مکتب هرات دوره تیموری می‌پردازد.

شماره نمونه	نگاره	مشخصات
(۱)		داستان بهرام با کنیزک خویش (فتنه)، نسخه خطی خمسه نظامی، مکتب هرات، در موزه رضا عباسی به شماره ثبت ۵۸۱ در حال نمایش می‌باشد، تهران.

نگاره (۱)

عنوان نگار	توصیف	اشارات نگارگر	مولفه های پوشاک
داستان بهرام با کنیزک خویش (فتنه)	سربندی که دور سر پیچیده شده است	سربند	نوع پوشش
	-	مقنعه	
	-	رو سری	
	-	چادر	
	-	کلاه	
	زیرپیراهن بلند یقه گرد و زیر گلو با دکمه بسته شده است و شکافی تا زیر سینه دارد.	زیر پیراهن	
	پیراهنی کوتاه تر از زیر پیراهن و جلو باز و با کمربندی لبه های آن روی هم آمده است.	پیراهن	
	-	قبا	
	روی پیراهن بسته شده و لبه های پیراهن را داخل آن فرو کرده اند تا کوتاه تر شود.	کمربند	
	-	جوراب	
	کفش ساده	کفش	
	حریر	جنس	
	آبی، سبز، اکر، قرمز، مشکی، سفید	رنگ	
	-	تزئینات	
	-	زیورآلات	
	-	آرایش	

جدول (۴) معرفی و تحلیل نمونه نگاره‌های هفت پیکر

جدول پیش رو مشخصات نگاره‌ها همراه با تجزیه و تحلیل آنها را نشان می‌دهد، و به بررسی مؤلفه‌های اصلی پوشاک زن در نگارگری مکتب هرات دوره‌ی تیموری می‌پردازد.

شماره نمونه	نگاره	مشخصات
(۲)		نشستن بهرام روز جمعه در گنبد سپید و افسانه گفتن دختر پادشاه کسری، نسخه خطی خمسه نظامی، دوره تیموری ۱۴۳۱ (م)، مکتب هرات، ۷/۲۳×۱۳/۷ سانتی متر، موزه هر میتچ، ۱۹۲۴ (م) نیویورک

نگاره (۲)			
عنوان نگار	توصیف	اشارات نگارگر	مولفه های پوشاک
نشستن بهرام روز جمعه در گنبد سپید و افسانه گفتن دختر پادشاه کسری	سربند چند لایه روی سر بسته شده است.	سربند	نوع پوشش
	رو سری توری که روی آن سربند بسته شده است.	رو سری	
	-	رو بند	
	یا مقنعه توری روی سر است.	مقنعه	
	-	چادر	
	-	کلاه	
	بلند، یقه گرد، جلو بسته	زیر پیراهن	
	یقه گرد تا روی سینه باز است به طور که یقه زیر پوش از زیر آن معلوم است. قد لباس بلند با آستین بلند که در میج تنگ شده، جلو بسته، روی دوش ها و روی پیش سینه با نقوش اسلیمی سوزن دوزی شده است.	پیراهن	
	قد آن بلند، با آستین های خیلی بلند، که با پارچه ی دیگری آسترکشی شده است روی دوش ها و روی پیش سینه و دور میج و کمر با نخ های طلایی (گلایتون) سوزن دوزی شده است. حاشیه ی جلوی قبا با پوست و یا پارچه ی دیگری دوخته شده است.	قبا	
	-	شلوار	
	-	کمر بند	
	-	جوراب	
	-	کفش	
	زیر پیراهن و پیراهن لطیف و دارای ریزش است مانند ساتن و حریر (گلدار و ساده) و قبا ضخیم است مانند مخمل، پوست حیوانات	جنس	زیورآلات
	اسلیمی و انتزاعی	نقش	
	سفید- آبی آسمانی- طلایی- زرد- سبز کم رنگ	رنگ	
	در قسمت سرشانه و پیش سینه و کمر قبا با نخ طلایی (گلایتون) سوزن دوزی شده است. روی دوش ها و روی پیش سینه پیراهن و حاشیه پایین آن نیز سوزن دوزی شده است.	تزئینات	
	زیر غبغب رشته مروارید می گذرد که دو طرف سربند را به هم وصل می کند.	زیورآلات	
	گوشواره- موها مرتب شانه شده- ابروهای به هم پیوسته	آرایش	

جدول (۴) معرفی و تحلیل نمونه نگاره‌های هفت پیکر

جدول پیش رو مشخصات نگاره‌ها همراه با تجزیه و تحلیل آنها را نشان می‌دهد، و به بررسی مؤلفه‌های اصلی پوشاک زن در نگارگری مکتب هرات دوره‌ی تیموری می‌پردازد.

شماره نمونه	نگاره	مشخصات
		صاحب باغ دختران جوان را که آبتنی می‌کنند دزدانه نگاه می‌کند (گنبد سپید)، خمسه نظامی ۸۳۴ (ه.ق) ۱۴۳/۰ (م) هنرمند نامعلوم، ۱۲/۴×۲۲/۵ (سانتی متر)، هرات، موزه متروپلیتن، مجموعه کوچران

نگاره (۳)			
عنوان نگار	توصیف	اشارات نگارگر	مولفه های پوشاک
نشستن بهرام روز جمعه در گنبد سپید و افسانه گفتن دختر پادشاه کسری صاحب باغ دختران جوان را که آبتنی می کنند دزدانه نگاه می کند.	سربند توری همراه سربندی چندلایه به پشت سر بسته شده است.	سربند	نوع پوشش
	روسری نیز به پشت سر بسته شده است.	روسری	
	-	روبند	
	-	مقنعه	
	-	چادر	
	-	کلاه	
	یقه گرد و بلند	زیر پیراهن	
	پیراهن بلند تا غوزک پا، با آستین بلند، یقه هفت یا گرد	پیراهن	
	بلند و دارای آستین کوتاه و بلند که حاشیه ی یقه و آستین ها و کمر و جلوی قبا سوزن دوزی شده است.	قبا	
	-	شلوار	
	-	کمر بند	
	-	جوراب	
	به شکل چکمه است و ساق دارد. کفش ساده به رنگ سیاه	کفش	
	ساتن یا حریر (ساده و گلدار)	جنس	
	انتزاعی و اسلیمی	نقش	
	سبز-گلی-آبی-زرد-سفید-قهوه ای-سورمه ای-صورتی-طلایی	رنگ	
	دور یقه را با پوست یا پارچه دیگری دوخته اند.	تزئینات	
	گوشواره-دست بند-انگشتر-رشته مرواریدی که از زیرغیغب عبور کرده و دو طرف سربند را بهم متصل می کند.	زیورآلات	
	سورمه-موهای مرتب شده به طرف پشت برده شده است.	آرایش	

مولفه های اصلی پوشاک زن در هفت پیکر نظامی و نگارگری مکتب هرات دوره ی تیموری			
نوع پوشاک	جامه ی سر یا سرپوش ها	سربند (چند لایه که یک لایه آن نقاب است)-کلاه (تاج، نیم تاج)-نقاب، مقنعه-روسری-چادر	
	جامه تن یا تن پوش ها	زیر پیراهن-پیراهن-قبا-کمر بند-ردا	
	جامه ی پا یا پای پوش ها	شلوار-جوراب-کفش-چکمه	
جنس		کتان-قصب (کتان ظریف)-فوطه-حریر (ابریشم)-پرند-دبیا-پارچه هایی که افت خوبی داشته است، مانند، ساتن و حریر-پارچه های ضخیم مانند، مخمل و پوست حیوانات	تزئینات
رنگ		سیاه، زرد-سبز-سرخ-فیروزه ای-صندلی-سپید-شکر رنگ-آسمانگون	
نقش		انتزاعی و اسلیمی	
زیورآلات		۱. ایجاد آرایه در بافت منسوجات ۲. سوزن دوزی با نخ های طلایی (گلابتون) روی پوشاک ۳. استفاده از ملحقاتی مانند، پوست و پارچه های دیگر ۴. استفاده از رنگ های زیبا و درخشان ۵. دوخت آستر به قبا و ردا	آرایش
آرایش		گوشواره-گردن بند (مروارید)-دست بند-عقد زنج (زنج بند)-فرق بند ۱. هفت قلم که عبارت بوده از سورمه-سرخاب-سپیداب-غالیه-بند-۲. عطر مانند، عنبر، مشک و کافور حنا بستن به دست و ناخن ها، موهای بلند مرتب شانه شده است.	

نتیجه گیری

نتایج حاصل از انطباق نگاره‌های هفت پیکر نظامی گنجوی و نگارگری‌های مربوط به آن در مکتب هرات دوره تیموری، به منظور بدست آوردن مدارکی در مورد پوشاک زنان، نشان می‌دهد که، در هفت پیکر، کمتر به لباس زنان توجه شده است، در نقاشی‌های مصور شده بانوان درباری و شاهزاده‌ها، پوشاک گرانبها و نفیس دارند و بانوانی که از طبقه‌ی پایین اجتماع هستند، نظیر خدمتکار، پوشش آنها ساده است. با تأمل در نگاره‌ها زیبایی‌شناسی در پوشاک مورد توجه قرار می‌گیرد. استفاده از پوشاک چندلایه که هم کاربردی بوده و هم جنبه زیبایی داشته است مشاهده می‌شود. استفاده از پوست یا پارچه دیگری بر حاشیه قبا و ردا تا دوام آن را بیشتر کنند و هم باعث زیبایی آنها

منابع

- آژند، یعقوب. (۱۳۸۷)، مکتب نگارگری هرات، تهران: فرهنگستان هنر.
- آیتی، عبدالمحمد. (۱۳۸۲)، هفت پیکر، چ ۲، تهران: علمی و فرهنگی.
- اسفندیاری، سیمین. (۱۳۹۲)، "تطبیق زیبایی شناسی در فلسفه افلاطون و دکارت". مقاله پژوهشی، دوره ۴۱، شماره ۱، ص ۶۷-۸۳.
- انصاری یکتا، مریم و احمدی پیام، رضوان، (۱۳۹۳)، بررسی تطبیقی پوشش زنان تصویر شده در شاهنامه بایسنقری و شاه طهماسبی، فصلنامه زن در فرهنگ و هنر، مقاله ۹، دوره ۶، شماره ۴، صفحه ۵۳۱-۵۵۱
- بووی، اندرو. (۱۳۸۵)، زیبایی شناسی و ذهنیت از کانت تا نیچه، فریبرز مجیدی، تهران: فرهنگستان هنر.
- بینیون، لورنس، ج. و. س. ویلکینسون. (۱۳۶۷)، سیر تاریخ نقاشی ایران، تهران: امیرکبیر.
- دادخواه، مهتاب؛ حاجی زاده، کریم؛ افخمی، بهروز؛ شهبازی شیران، حبیب؛ (۱۳۹۹)، تصویر زنان در نگاره‌های مکتب تبریز و متون دوره صفوی، مجله: زن در فرهنگ و هنر، دوره دوازدهم، شماره ۲ از صفحه ۲۶۷ تا ۲۸۷
- ریاضی، حشمت الله، پاک گوهر، حبیب الله. (۱۳۸۵)، داستان‌ها و پیام‌های نظامی گنجوی، تهران: حقیقت.
- زارعی محمدابراهیم، دولتی مریم، (۱۳۹۶)، بررسی تطبیقی پوشاک رزم بر اساس مطالعه نگاره‌های نسخ خطی در مکاتب هرات و تبریز، فصلنامه نگره، دوره ۱۲، شماره ۴۴، از صفحه ۷۱ تا صفحه ۸۳.
- زکی، محمد حسن. (۱۳۲۰)، صنایع ایران بعد از اسلام، ترجمه:

شوند و جنبه کاربردی و زیبایی را با هم داشته است. همچنین استفاده از کمربند به جهت بالا بردن گوشه لباس در زمان ضرورت، که هم جنبه کاربردی و هم جنبه زیبایی شناسی دارد. کاربرد چند رنگ در پوشاک زنان و استفاده از نخ‌های طلایی در سوزن دوزی بر روی پیراهن و قبا که باعث جلوه بیشتر لباس‌ها می‌شده است. ترسیم زیورآلات برای جلوه بخشیدن تصویر زنان حائز اهمیت است. استفاده از لوازم آرایش نظیر رنگین کردن ناخن‌ها با حنا یا خال‌بین دو ابرو، مرتب شدن موهای زنان در نگاره‌ها، همه نشان از زیبایی شناسی پوشاک زنان در نگاره‌ها دارد. با توجه به تصاویر و مضامین زیبایی که نظامی در اشعارش آورده است، زیبایی شناسی در اشعار نیز رعایت شده است و در نگارگری‌ها نیز این نوع زیبایی شناسی دیده می‌شود.

- محمد علی خلیلی، تهران: اقبال.
- شهایی، علی اکبر. (۱۳۳۷)، نظامی شاعر و داستان سرا، تهران: ابن سینا.
- دایرة المعارف اسلام، (۱۹۸۶)، ج ۵، زیر نظر سید محمدکاظم موسوی: دانشنامه اسلام
- عبداللهی، سوری، (۱۳۹۸)، بررسی تطبیقی پیکر زنان در آثار جنید و بهزاد، نخستین کنفرانس ملی علوم انسانی و توسعه غیبی، مهرآسا. (۱۳۸۵)، هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، تهران: هیرمند.
- کلاویخو روی گونزالس، (۱۳۷۴)، سفرنامه کلاویخو، مترجم: مسعود رجب نیا، تهران: علمی و فرهنگی.
- کوشش، رحیم: (۱۳۸۹)، منطق تصویری شعر، دوره ۴، شماره ۴، ص ص ۱۳۶-۱۱۳.
- وحید دستگردی، حسن. (۱۳۹۳)، هفت پیکر، چ ۱۳، تهران: قطره.
- محبتی، مهدی. (۱۳۸۹)، پوشش و حجاب زن در ادبیات فارسی، از ایران باستان تا انقلاب مشروطه، تهران: پژوهشکده مطالعه فرهنگی و اجتماعی.
- معین الدینی، عصار کاشانی. (۱۳۹۱)، "سیر تحول زیبایی شناسی طبیعت در تک نگاره های مکتب اصفهان"، جلوه هنر، شماره ۹، صص ۷۷-۹۰.
- موزه هنرهای معاصر، (۱۳۸۴)، "نگارگری ایرانی، مجموعه سخنرانیهای دومین کنفرانس نگارگری ایران- اسلامی".
- هفته نامه بام داد لرستان، ادب و هنر، (۱۳۹۴)، "زیبا شناسی و نگاه زیبا شناسانه نظامی گنجوی".